



دکتر بهزاد مرتضایی*

چکیده

در این مقاله قصد داریم با بررسی آیات قرآن کریم، رابطه بین کوه و انسان را در شناخت اوصاف انسانی آشکار نماییم. خداوند برای گفتگو و ارسال پیام به پیامبران اغلب در بالای کوه با آنها ارتباط برقرار می‌کند. در بالای کوه انسان عظمت خلقت و کوچکی مسایل و مشکلات را ملاحظه می‌کند و بر قدرت و استواری او افزوده می‌شود. آیات زیادی در قرآن کریم رابطه زیبایی بین شناخت انسان از خود و خدای خود با کوه و عظمت آن برقرار می‌کند.

کلید واژه‌ها: کوه؛ خودشناسی، خداشناسی، انسان، قرآن کریم.

مقدمه

خداوند در خلقت هر مخلوقی حکمتی قرار داده و هیچ مخلوقی را بیهوده نیافریده است. آنجا که در قرآن کریم می‌فرماید: «ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک فقنا عذاب النار» (آل عمران، ۱۹۱/۳)؛ خدایا چیزی را به گزاف و بیهوده نیافریدی و تو پاکی که کاری را گزاف و بیهوده کنی پس ما را از عذاب آتش و دوزخ نگهدار. در مورد خلقت کوه نیز اهدافی در کار بوده که یکی از آنها وادار نمودن انسان به اندیشه درباره آنها است، تأمل و اندیشه‌ای که

*دکترای فلسفه و کلام اسلامی، عضو هیات علمی و استاد یار دانشگاه امام حسین (ع) و عضو مدعو دانشگاه تهران.

منتهی به شناخت خود و خدا شود. در قرآن کریم ۳۸ مورد کلمه کوه «جبل» و کوهها «جبال» شامل ۳۶ آیه در ۳۳ سوره آمده است که کلمه کوه در بعضی آیات نقش محوری و در بعضی از آیات نقش فرعی را به عهده دارد و از معانی آیات چنین برمی آید کوه یکی از آفریده های بزرگ آفرینش می باشد. در روایات آمده است کوه محل پناهگاه و رشد و اندیشه حضرت ابراهیم (ع)، محل مناجات حضرت موسی (ع)، مخفیگاه اصحاب کهف و از همه مهمتر محل عبادت خاتم پیامبران حضرت محمد (ص) و محل نزول اولین آیات الهی توسط حضرت جبرائیل (ع) بر این پیامبر عظیم الشان است.

به طور کلی بین خداشناسی و انسان شناسی و خودشناسی با شناخت کوه موارد زیر قابل مطالعه و تحقیق است.

۱. کوه محلی جهت آزمایش امر الهی توسط حضرت ابراهیم (ع).
۲. کوه یکی از نعمت های بزرگ الهی برای زمینیان.
۳. کوه موجب وحشت واقع شدن به علت ابهت و عظمت آن.
۴. تشبیه قرار گرفتن امواج سهمگین دریاها به کوه.
۵. کوه مامن و محافظ برای جانداران و انسان.
۶. کوه پدیده ای پابرجا و استوار.
۷. کوه سخت و دشوار و مقاوم بیش از هر چیز دیگر.
۸. بلندترین و عظیم ترین چیزی که روی زمین قرار دارد کوه می باشد.
۹. کوه «تسبیح گوی خدای سبحان».
۱۰. کوه در زمره سجده کنندگان.
۱۱. کوه مورد پیشنهاد امانت الهی قبل از پذیرفتن آن توسط انسان.
۱۲. هم نوا شدن کوه ها با حضرت داوود (ع) در ذکر و تسبیح خدا.
۱۳. کوه نمونه ای از صلابت و استحکام.
۱۴. کوه مظهر دگرگونی در روز موعود.
۱۵. کوه سمبل تغییر و تبدیل و از هم پاشیدگی در آستانه قیامت.
۱۶. کوه به عنوان نمادی برای اندیشیدن به عظمت خلقت.

ارتباط شناخت خدا با شناخت کوه

در داستان شناخت خداوند آنجا که حضرت موسی (ع) از خداوند می خواهد که خود را بر

او آشکار کند، فرمود: به آن کوه بنگر، اگر بر جای خود قرار یافت، تو نیز مرا خواهی دید. چون پروردگارش بر کوه تجلی کرد، کوه را خرد کرد و موسی (ع) بی هوش شد. چون به هوش آمد، گفت: تو منزهی، به تو بازگشتم و من اولین از مؤمنانم. (کوه محل شناخت)

در آیه ۲۱ از سوره مبارکه حشر می فرماید: «لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرايته خاشعا متصدعا من خشية الله و تلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون»؛ اگر این قرآن را بر کوهی فرو می فرستادیم، یقیناً آن [کوه] را از بیم خدا فروتن [و] از هم پاشیده می دیدی. و این مثل ها را برای مردم می زنیم باشد که آنان بیندیشند.

همان گونه که از مفاد این آیه بر می آید خداوند با ذکر مثالی گویا و زیبا مردمان را به اندیشه درباره عظمت قرآن کریم دعوت فرموده و در حقیقت بیان می فرماید که: ای انسان ها! این قرآن کتابی است که اگر بر کوه نازل می شد آن را با تمامی عظمت و صلابتی که دارد از هم فرو می پاشید.

پس شما را چه شده است که بر دل هایتان تأثیر نمی گذارد! کمی بیندیشید و سر به جیب تفکر فرو برید که همین تفکر و اندیشه شما را به سوی عظمت و حقانیت آن رهنمون خواهد شد. هم چنین در آیات بسیار دیگری از قرآن کریم سخن از نزول قرآن به زبان عربی و ذکر بودن قرآن به میان آمده است و سبب این امور را نیز همان اندیشه و تفکر در آیات آن ذکر فرموده که از آن جمله می توان به آیه ۳ از سوره زخرف و آیه ۴۴ سوره نحل و آیه ۲ یوسف، اشاره نمود.

اندیشیدن در مورد کوه برای شناخت عظمت فعل خدا: «الم تر أن الله انزل من السماء ماء فأخرجنا به ثمرات مختلفا ألوانها و من الجبال جدد بيض و حمر مختلف ألوانها و غرابيب سود» (فاطر، ۲۷/۳۵)؛ آیا ندیدی که خدای از آسمان [از ابر] آبی فرود آورد، پس با آن میوه های رنگارنگ بیرون آوردیم، و از کوه ها راه هایی به رنگ های گوناگون سفید و سرخ و سخت سیاه است. در این آیه ضمن این که بیان می کند که چگونه از آسمان آب فرود می ریزد و نتیجه آن میوه های رنگارنگ با طعم های مختلف است در دنباله آن به تنوع رنگ های کوه اشاره کرده که سبب شناخت جاده ها از یکدیگر و از سویی دیگر زیبایی خاصی به کوه ها می بخشد و انسان را به اندیشیدن این موهبت ها تذکر می دهد.

و آیه ۱۹ از سوره غاشیه: «و الی الجبال کیف نصبت»؛ و کوه ها که چگونه نهاده شده و استوار گشته. در این آیه بیان می کند، چرا به کوه ها نمی اندیشید که چگونه ایستاده اند و ریشه های آنها مانند میخ اجزای زمین را به هم میخکوب کرده و از مخازن آن چشمه ها و نهرها جاری و معادن را در سینه خود حفظ کرده است.

با توجه به آیات فوق که منحصررا در مورد کوه بیان شد موارد ذکر شده انسان‌ها را هرچه بیشتر به این پدیده عظیم الهی توجه داده تا با معرفت و شناخت بیشتری از این نعمت الهی خود و خدای خود را بیشتر بشناسد.

کوه و جرأت انسانی

از جمله روابط کوه با انسان شناسی مسأله عظمت وجودی انسان در مقابل عظمت کوه است این موضوع در قرآن با این آیه تشریح شده است که فرمود: ما امانت [الهی و بار تکلیف] را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم پس از برداشتن آن سر باز زدند و از آن هراسناک شدند و [لی] انسان آن را پذیرفت به راستی او ستمگری نادان بود. (الأحزاب، ۷۲/۳۳).

تفسیر این آیه حکایت از عظمت وجود انسان در مقابل عظمت کوه دارد که کوه با آن استحکام و استواری از قبول امانت الهی خودداری نمود ولی انسان به واسطه عظمت وجودی که دارد امانت را پذیرفت.

سعی بین دو کوه صفا و مروه نمادی دیگر از خودشناسی و خداشناسی: هفت مرتبه سعی بین دو کوه صفا و مروه حکایت از هفت نیاز اساسی انسان هفت سفر عشق برای تکامل و هفت روز هفته و... و اهمیت عدد هفت برای کمال انسانی و داستان نام گذاری دو کوه صفا و مروه و هبوط آدم و حوا و بازگشت مجددا آنها به یکدیگر بحث مفصلی در آیات و روایات اسلامی دارد از آن جمله در روایات آمده است که پس از خروج حضرت آدم علیه السلام و حوا از بهشت، حضرت آدم بر روی کوه صفا و حوا بر روی کوه مروه فرود آمدند. اولین کوه به این دلیل که آدم «صافی اللّه» - برگزیده خدا - است «صفا» و دیگری را به این دلیل که حوا «مرأة» - زن - بوده مروه نام گرفت.

صفا و مروه از نشانه‌های دین خدا و سعی میان آن دو، یکی از ارکان حج بیت الله الحرام است.

حج گزارانی که برای حج و یا انجام عمره به مکه مکرمه می‌آیند، در این جایگاه مقدس پای نهاده، با مجسم نمودن سعی هاجر، و در تأسی به روش رسول خدا (ص) هفت مرتبه فاصله میان این دو کوه را با قصد قربت می‌پیمایند.

صفا و مروه در لغت: «صفا» در لغت به معنای سنگ سخت و صافی است که با خاک و شن مخلوط نباشد.

مبرد گفته است: صفا سنگی را گویند که گل و خاک در آن نباشد. و طریحی در مجمع

البحرین گوید: صفا اگر مفرد آورده شود، به معنای سنگ و اگر به صورت جمع استعمال شود به معنای سنگ نرم است. صاحب تفسیر کشف الاسرار نیز می نویسد: صفا سنگ سپید سخت باشد؛ یعنی صافی که در آن هیچ خلطی از خاک و گل و غیر آن نباشد. و مروه سنگی باشد سیاه و سست و نرم که زود شکسته شود.

پیشینه تاریخی: کوه های صفا و مروه تا قبل از هبوط حضرت آدم (ع) به زمین، پیشینه تاریخی دارد. امام صادق (ع) در رابطه با نام گذاری این دو کوه فرموده است. «صفا» را صفا نامیدند، بدان جهت که آدم برگزیده بر آن فرود آمد. پس برای این کوه نامی از اسم آدم را انتخاب کردند، خداوند - عزوجل - می فرماید: «ان الله اصطفى آدم و نوحاً...» (آل عمران، ۳/۳۳)، و حوا بر مروه فرود آمد و مروه را مروه نامیدند؛ زیرا زن بر آن فرود آمد، پس نامی از مرأه، برای این کوه برگزیدند.

اما شهرت این دو کوه از زمان حضرت ابراهیم (ع) به بعد است، آن گاه که آن حضرت همراه با هاجر و اسماعیل به مکه آمده، آنان را در کنار حجر جای داد و خود به شام بازگشت. عبدالله بن عباس این داستان را چنین نقل کرده است: چون میان مادر اسماعیل و ساره همسر دیگر ابراهیم (ع) کدورت پیش آمد، ابراهیم (ع) مادر اسماعیل و اسماعیل را که کودک شیرخواری بود، همراه خود به مکه آورد، هاجر مشک آبی داشت که از آن می نوشید و به کودک خود شیر می داد و هیچ گونه زاد و توشه ای همراه او نبود، سعید بن جبیر می گفته است: ابن عباس در حالی که به نقطه ای میان زمزم و صفا اشاره می کرد، چنین ادامه داد که: ابراهیم (ع) آن دو را کنار خاربنی - درختچه ای - که بالاتر از منطقه چاه زمزم قرار داشت نشانده و سپس خود سوار بر مرکب خویش شد و به بیرون مکه حرکت کرد، مادر اسماعیل پی او حرکت نمود و تا منطقه «کداء» او را دنبال کرد، سپس پرسید او و پسرش را به عهده چه کسی و می گذارد؟ ابراهیم (ع) فرمود: به خدای - عزوجل - می سپارم. مادر اسماعیل گفت: خشنود و راضی هستم و در حالی که کودک را در آغوش داشت، برگشته و زیر آن خاربن نشست و کودکش را کنار خویش نهاد و مشک آب خود را آویخت و از آن می آشامید و کودک را شیر می داد تا آنکه آب مشک تمام و شیر پستان او هم خشک شد، کودک به سختی گرسنه شد و به خود می پیچید. مادر بیم کرد که اسماعیل بمیرد و اندوهگین شد و با خود گفت چه بهتر که از پیش او بروم تا شاهد مرگ او نباشم!

ابن عباس گوید: مادر اسماعیل بالای کوه صفا رفت که به اطراف مشرف شود، به

این امید که شاید در صحرا کسی را ببیند و سپس به کوه مروه نگریست و گفت خوب است میان این دو کوه آمد و شد کنم تا اگر کودک بمیرد شاهد مرگ او نباشم. و سه یا چهار بار میان آن دو کوه آمد و شد کرد، در دره میان صفا و مروه چیزی جز ریگ و شن نبود، سپس کنار فرزند آمده، او را بر همان حال دید و بیشتر اندوهگین شد و کنار کوه صفا بازگشت و باز همچنان میان صفا و مروه آمد و شد کرد تا آنکه هفت بار این فاصله را پیمود.

ابن عباس گفته است: پیامبر (ص) فرمود: به همین جهت، سعی میان صفا و مروه معمول شد و مردم میان آن سعی می کنند. مادر بازگشت و کودک خویش را به همان حال دید که بر خود می پیچید، ناگاه صدایی شنید، نگریست و کسی را ندید، گفت: صدای تو را شنیدم، اگر خیری پیش تو هست، مرا یاری کن و به فریادم رس، در این هنگام جبرئیل (ع) برای او آشکار شد، مادر اسماعیل (ع) از پی او به راه افتاد و جبرئیل با پای خود به محل چاه زمزم کوید و از همانجا آب بر روی زمین آشکار شد.

ابن عباس در دنباله گفتار خود چنین گفته که مادر اسماعیل (ع)، مشک خود را آورد و آب برداشت و آشامید و پستانش پر شیر شد و پسرش را شیر داد.

آنگاه که چشمه زمزم جوشید، جبرائیل به هاجر گفت: بر مردم این دیار از تشنگی بیم مدار که این چشمه برای نوشیدن مهمانان خداست و نیز گفت: «زود باشد که پدر این طفل بیاید و برای خدا، خانه ای بسازند» و محل خانه را نشان داد.

ابن عباس گوید: نخستین کسی که میان صفا و مروه دوید، مادر اسماعیل (ع) بود. و به دنبال هفت مرتبه آمد و شد هاجر بین صفا و مروه، سعی سنت شد و اولین بار ابراهیم خلیل (ع) همراه با فرزندش اسماعیل (ع) این سنت الهی را انجام دادند.

به دنبال ابراهیم (ع)، پیامبران دیگر نیز، پس از انجام طواف و خواندن نماز در پشت مقام، به مسعی آمده، سعی صفا و مروه می کردند. مجاهد گفته است: موسی برای انجام حج به مکه آمده، گرد خانه خدا طواف کرد و سپس هنگامی که مشغول سعی میان صفا و مروه بود، از آسمان آوای سروشی را شنید که می گفت: ای بنده من، من همراه توام، و موسی به سجده درافتاد....

نتیجه گیری

با توجه به کلمه کوه در قرآن چنین استنباط می شود که این پدیده به عنوان یک موجود عظیم آفرینش در آیات قرآنی شامل موضوعات متنوعی می شود که هر یک بحث جداگانه ای را می طلبد.